



۲۰۱۹/۰۴/۰۹

دوکتور محمد عثمان تره کی

اصطلاح لویه جرگه مشورتی : بدعت زاده عصبیت های جنگ به قصد تنزیل اعتبار لویه جرگه عنعنوی!



لویه جرگه ها تظاهرات سیاسی و حقوقی اراده ملت افغانستان برای ادامه زندگی در سایه نظام دیموکراسی قبیلوی است. لویه جرگه ها پدیده منحصر بفرد دیموکراسی تعاملی محصول شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و روانی جامعه افغانی میباشند که حوادث تاریخ را برای تأمین آرمان های واحد ملی و احیاناً تثبیت موضع سیاسی زمامداران کانالیزه کرده اند.

در حالیکه ارزش های دیموکراسی لیبرال چون پیوند ناجور در بدنه نظام، تظاهر بیگانه از محیط داشته اند، لویه جرگه ها بمثابة اورگان ممثل دیموکراسی سنتی دارای ریشه های عمیق در تاریخ کشور است که تحت تأثیر مقطع های معین زمانی که در آن تدویر یافته اند از لحاظ کمیت و کیفیت از همدیگر متفاوت می باشند.

لویه جرگه ها اسامبله های سوورن (حاکم مطلق) هستند و صلاحیت های حقوقی بیشتر از کلیه اورگان های نمایندگی دولت (بشمول پارلمان) دارند و حتی خود بصورت غیر مستقیم از طریق انتخاب هیأت حاکمه در ایجاد دولت معاصر افغانستان وسیله اعمال حق حاکمیت ملی قرار گرفته اند.

قدرت مطلقه لویه جرگه :

لویه جرگه ها در زمینه های ذیل اعمال صلاحیت کرده اند:

- تعیین مشران قوم به مثابه رهکشا به سوی عقد اولین نطفه نظام دولتی (لویه جرگه ۱۷۰۹ که میرویس هوتکی را برگزید).

- تصویب و تعدیل قوانین اساسی

- تصویب و تعدیل قوانین عادی

- صدور دستور العمل برای هدایت حکومت در مسائل بزرگ ملی در ساحه سیاست داخلی و خارجی.

به استثنای لویه جرگه مؤسس دولت معاصر افغانستان (۱۷۴۷م) در تدویر سایر لویه جرگه ها و طرح موضوعات مورد بحث در آنها ابتکار عمل همیشه بدست زمامداران بوده است. آنگاه هیئت حاکمه با اعمال نفوذ در ترکیب لویه جرگه ها و ترتیب اجندای آنها، از آن بمتابه مرجع توجیه سیاست و پالیسی حکومت و دولت های وقت کار گرفته اند. علی الرغم این اعمال نفوذ تفاوت چندانی بین مطالبات هیئت حاکمه و خواست نمایندگان مردم در لویه جرگه در شرایطی که سلاطین ممثل استقلال و وحدت ملی بودند، اتورپته مذهبی داشتند و شعور سیاسی جامعه در سطح نازلی قرار داشت، وجود نداشته است.

بعباره دیگر شخصیت های با رسوخ اجتماعی، خوانین، رهبران و علمای مذهبی و دانشمندان مشمول لویه جرگه باید از حد اقل اعتماد مردم بر خوردار بمیبودند، تا خواست دولتمندان در تدارک زمینه پستی بانی مردم از دولت دچار اشکال نشود و قصد مورد نظر مقامات از تدویر لویه جرگه تحقق یابد.

در مقاطع زمانی ایکه افغانستان دارای حق حاکمیت ملی بود، مقایسه مسوده های قوانین اساسی ارجاع شده از جانب حکومت وقت به لویه جرگه ها با متون تصویب شده از طرف لویه جرگه ها نشان میدهد که لویه جرگه ها با وارد ساختن تعدیلات در حد تقریباً ۱۵ تا ۳۰ فیصد در متون مسوده ها، تحت تأثیر کلی حکومت ها قرار نداشته و در مواردی در نقش مجالس سوورن ظاهر شده اند.

نقش لویه جرگه در تأمین همبستگی ملی :

تأثیر لویه جرگه ها در زندگی اجتماعی، سیاسی ملت افغانستان در موارد زیر دارای برجستگی است :

- تأمین وحدت ملی و صلح و ثبات اجتماعی
- تنظیم حیات ملی در چوکات قانون اساسی و قانون
- تأمین زمینه تبادل نظر و تفاهم برای حل مسایل ملی بین کلیه اقوام و قبائل شامل ترکیب جامعه افغانی
- ایفای نقش تأمین کننده اتصال و ارتباط میان هیئت حاکمه و مردم
- تضمین اجرای تصامیم هیئت حاکمه با إعطای نیروی اجتماعی به آنها.

مخالفت های سیاسی، قومی و مذهبی با لویه جرگه :

جنگ و بحران دوامدار افغانستان سمبول هائی را که به کشور هویت ملی میبخشد به سختی صدمه زده و عنعنه توسل به لویه جرگه معروض به مخالفت های سیاسی، قومی و مذهبی گردیده است :

- سیاسی ازین لحاظ که شخصیت ها و گروه هائیکه شرایط نو ناشی از دهه مقاومت و جهاد، آنها را بمتابه پایه های جدید قدرت سیاسی در مرکز توجه قرار داده بود، لویه جرگه را وسیله احیای پدیده های کلاسیک و متروک قدرت دانستند. این طرز تلقی وقتی قوت بیشتر گرفت که همیشه نام شاه در کنار نام لویه جرگه ذکر می شد.

- قومی ازین رهگذر که در طول چهل سال جنگ، لویه جرگه به عنوان موسسه اصیل دیموکراسی قبیلوی افغانی معروض به ضربه احساسات باند های سکتاریستی ئی شده است که با ضوابط زندگی اجتماعی و سیاسی افغانستان بدون موجب آهنگ جدال دارند.

گرو های منسوب به اقلیت های قومی و مذهبی بدلیل ترکیب بخش عمده لویه جرگه از اکثریت قومی به آن به مثابه وسیله هژمونی سیاسی پشتون ها و توجیه حقوقی حاکمیت اکثریت تلقی کردند. حاکمیت اکثریت در نهایت منجر به اعطای نقش ناچیزی در اداره دولت به اقلیت هایی می شد که عصیانگری دوران جهاد توقعات بیرون از موازین دیموکراسی بر ایشان خلق کرده بود. اقلیت های قومی به تبعیت از اصول دیموکراسی، به نقش ثانوی اقلیت در اداره دولت قانع نبودند. این گروها حتی به قصد ازاله نام لویه جرگه از تاریخ سیاسی افغانستان دست اندر کار تغییر اصطلاح آن به « جرگه بزرگ ملی»، « مجلس کبیر میهنی» و غیره گردیدند.

- مذهبی ازین نگاه که اسلام سیاسی بدلیل رخنه نمایندگان عوام الناس در لویه جرگه آنرا در حد اعتبار یک جرگه « اهل حل و عقد» نمیدانند. علاوهً بنیاد گرایان که با « تصور» ساختن خلافت جهان اسلام وارد کار زار افغانستان شده اند، لویه جرگه را تظاهر ناسیونالیزم افغانی و سکولاریزم تلقی میکنند. انترناسیونالیزم اسلامی با تظاهرات ناسیونالیستی بهر وسیله ایکه افاده شود، مخالف است.

نباید از نام لویه جرگه سوء استفاده سیاسی کرد!

حضور قوای خارجی و به موازات آن ادامه جنگ های دوامدار دهه های اخیر، لویه جرگه را دستخوش سیاست بازی های حکومت فاقد اراده ملی گردانید. در شرایط حضور قوای خارجی و فقدان حاکمیت ملی، لویه جرگه به افزار تحقق پلان های حکومت های دست نشانده و قوای مداخله گر خارجی قرار گرفت.

اداره کابل به قصد استفاده افزاری از حیثیت و باور لویه جرگه، در تلاش است تا بالای یک مجلس مشورتی و فرمایشی که تحت حاکمیت قوای خارجی و حالت نا امنی و جنگ دائر میگردد اصطلاح لویه جرگه را اطلاق کند.

این در حالیکه موارد زیادی لویه جرگه را از یک جرگه مشورتی متمایز میسازد. از جمله :

- لویه جرگه ها فیصله میکنند و امر و نهی واجب الاجراً صادر مینمایند. مشوره نمیدهند.

- لویه جرگه ها مظهر تمثیل حق حاکمیت ملی بوده و زیر بیرق قوای خارجی دائر نشده اند. حضور اشغالگرانه قوای خارجی لویه جرگه را از استقلال و اتوریتته حقوقی آن بی بهره میسازد.

- هر گاه از تدویر لویه جرگه مؤسس دولت جدید افغانستان که ابتکار تدویر آن بدست مشران قومی بود بمثابه یک استثناً بگذریم، سائر لویه جرگه ها بالوسیله زمامداران بر حال و آزاد در یک افغانستان مستقل تحت شرایط صلح و ثبات سیاسی دائر شده اند، نه بالوسیله گماشتگان بیگانه در شرایط جنگ ضد اشغال خارجی.

- لویه جرگه ها در حالت صلح و امنیت که جغرافیای افغانستان تحت اداره مرکز واحد حکومتی قرار داشته باشد، تدویر میابند، نه در حالت جنگ، نا امنی و عدم امکان دسترسی به نمایندگی از مناطق جنگ زده.

نتیجه :

اطلاق اصطلاح لویه جرگه به مجالس و جرگه های مشورتی ایکه در طول چهل سال جنگ و اشغال خارجی در کشور تدویر یافته اند، توجیه حقوقی ندارد. در عقب این تلاش بیشتر انگیزه سیاسی مطرح است : از نامگذاری لویه جرگه به مجالس مشورتی غالباً هیأت های حاکمه بر حال به قصد اعطای اعتبار سیاسی به جرگه گماشته شده ، استفاده افزاری میکنند: پای حمایت جرگه مشورتی را به فیصله هائی که خود می نمایند، میکشانند. فیصله ها را به قصد اعطای اعتبار حقوقی در لفافه تصمیم لویه جرگه می پوشانند.

اصطلاح لویه جرگه مشورتی یک بدعت زاده عصبیت های جنگ به قصد تنزیل اعتبار لویه جرگه است.

سوء استفاده افزاری از نام لویه جرگه عنعنوی یک تلاش آلوده با غرض است که به اعتبار لویه جرگه به مثابه یک پدیده تاریخی حلال بسا پروبلم های ملی به سختی صدمه میزند و افغانستان را معروض بیک خلأ سازمانی غیر قابل جبران می گرداند. « پایان » ۲۰۱۹/۰۴/۰۸ - فرانسه



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشه ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

اصطلاح لویه جرگه مشورتی

[Osman_r_taraki_estelaah_loyajergaye_mashwerati.pdf](#)